



مصادره دولتی آیین‌های مذهبی

فرج سرکوهی

اینترنته ۸۶/۱۰/۱۳



چکیده: آقای سرکوهی در این مقاله به اجمال تصویری از رویارویی دولت‌های مکتبی با آیین‌های سنتی ملی و مذهبی ارائه داده و بیان می‌کند که دولتی کردن و مصادره آیین‌های مذهبی باعث کمرنگ شدن و از بین رفتن خودجوشی و درون‌زایی آنها خواهد بود؛ هر چند با شعار خرافه‌زدایی همراه باشد.

اعلامیه اخیر نیروی انتظامی مبنی بر «ممنوعیت حمل علم، شمایل و تمثال در آیین‌های عزاداری ماه محرم» و جایگزین کردن نمادهای سنتی «با تصاویر حرمین شریفین، شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس»، که براساس همین اعلامیه به عنوان «محصولات فرهنگی در میان هیأت‌های عزاداری ماه محرم توزیع خواهد شد»، نمونه‌گویایی از تقابل دولت‌های مکتبی با آیین‌های سنتی ملی و مذهبی و تضاد درون‌زایی و خودجوشی آزاد با برنامه‌ریزی مستبدانه را به دست می‌دهد.

مقایسه این نمونه با دو نمونه جشن‌های اول ماه مه در کشورهای بلوک شرق سابق و جشن تولد امام دوازدهم شیعه در ایران، می‌تواند نقش و تأثیر برنامه‌ریزی حکومتی را بر تقلیل آیین‌های مردمی به مراسمی رسمی و دولتی آشکار کند.

از منظر مردم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی آیین‌های سنتی ملی و مذهبی در بستر تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها، به گونه‌ای خودجوش و درون‌زا، شکل می‌گیرند،

بازتاب اندیشه ۹۷

۵۲

مصادره
دولتی
آیین‌های
مذهبی

شکل درونی و بیرونی، نمادها و عناصر این آیین‌ها در متن تاریخ فرهنگی ملت‌ها، کارکردها، معناها و کاربردهای ویژه خود را دارند و با پاسخ دادن به برخی نیازهای پایدار و تحقق برخی کارکردهای ماندگار، در فرهنگ یک ملت درونی و با آن عجین می‌شوند.

تقابل خودجوشی و درون‌زایی آزاد آیین‌های سنتی ملی و مذهبی با برنامه‌ریزی حکومتی چندان پررنگ است که حضور مستبدانه و از بالای دولت‌ها گاه به مرگ یک سنت ریشه‌دار منجر شده و گاه آیینی خودجوش و مردمی را از کارکردها و معناهای آن تهی و به مراسمی رسمی و بی‌جان تقلیل داده است.

آیین‌های سنتی جشن تولد امام زمان در ایران و اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در بلوک شرق سابق دو نمونه کلاسیک و تیپیک از تقلیل آیین‌های سنتی خودجوش و درون‌زا را به مراسمی بی‌روح و رسمی به دست می‌دهند. جمهوری اسلامی یکی دو سال پس از استقرار خود، جشن تولد امام زمان ع را مصادره و به جشنی رسمی و دولتی تقلیل داد.

شرکت‌های بزرگ با بودجه هنگفت دولتی تزئین خیابان‌ها و مکان‌های عمومی و نصب طاق نصرت‌های یک دست و مشابه را برعهده گرفتند، حضور پررنگ حکومت با امکانات گسترده دولتی، جایی برای ابتکارهای خودجوش و داوطلبانه مردمی باقی نگذاشت، تنوع به یک دستی بدل شد، مردم به دلایل گوناگون از جمله پیوند منجی موعود با حکومت و حضور پررنگ دولت در مراسم، آیین سنتی خود را واگذار کردند و... جشن مصادره شده تولد منجی موعود کارکردها، پیام‌ها و کاربردهای سابق خود را از دست داد و از رونق افتاد.

فرایندی مشابه با جشن تولد امام دوازدهم شیعه در کشورهای بلوک شرق سابق، آیین‌های جشن اول ماه را دگرگون کرد. جشن‌های اول ماه مه، روز جهانی کارگر، و شعار معروف «کارگران جهان متحد شوید»، فراتر از کالبد شکافی مراسم و معنای کلمات و جمله، بیش از هر چه نفی وضع موجود، اعتراض به سامان حاکم، دگرگونی ساختاری و... معنا می‌داد و حکایت از آرمان‌گرایی پرشور جنبش سوسیالیستی داشت. دولت‌های مستبد بلوک شرق با مصادره شعار «کارگران جهان متحد شوید» و با برنامه‌ریزی جشن اول ماه مه، آرمان‌گرایی و شوق و شور دگرگونی را از آن‌ها حذف کرده و یکی از بزرگ‌ترین جشن‌ها و یکی از برانگیزاننده‌ترین شعارهای جهان را به مراسمی اجباری، بی‌روح، سرد و دولتی تقلیل دادند.

نیروی انتظامی ایران در اعلامیه اخیر خود گفته است که براساس «طرح ضابطه‌مند کردن هیأت‌های عزاداری مذهبی» حضور نمادها و عناصر «خرافات» را در مراسم عزاداری ماه محرم ممنوع کرده است. در طبقه‌بندی نمادها، عناصر، شکل‌ها و ساختار آیین‌های سنتی ملی

و مردمی به خرافه و غیر خرافه، جای این پرسش باقی می ماند که براساس کدام معیار و سنجهای می توان عنصر و نمادی را خرافی و دیگری را غیر خرافی توصیف کرد و مرز خرافه و غیر خرافه را چه مفاهیمی رقم می زنند؟ برخی ممنوعیت ها، چون ممنوعیت قمه زنی، به دلیل برخورداری از توضیح روشن به سرعت پذیرفته می شوند؛ اما علامتی که یادآور تقدس چندین هزار ساله درخت سرو در نزد ایرانیان است یا دیگر نمادهایی را که در ساختار فرهنگی جامعه جذب و درونی شده اند، چگونه می توان به خرافی و غیر خرافی تقسیم کرد؟ اگر آیین های سنتی ملی و مذهبی، نه با معیارهای مردم شناسی و فرهنگ شناسی، که با معیار «خرافه و غیر خرافه» بررسی و طبقه بندی شوند، کدام مراسم و آیین بر جای می ماند؟ اگر حکومت ها آیین ها و مراسم سنتی ملی و مذهبی را تصیفه و برنامه ریزی کنند، بر عنصر خودجوشی و درون زایی آزاد آیین ها چه خواهد رفت؟

بنیان گذار جمهوری اسلامی گرچه با برخی آیین ها و مراسم ملی و مذهبی به شدت مخالف بود، اما با هوشیاری بر سنتی بودن و سنتی ماندن آیین های عزاداری ماه محرم تأکید داشت؛ چرا که بر نسبت و ارتباط تنگاتنگ این آیین با فرهنگ و ایدئولوژی حکومتی و با جاذبه قدرت مذهبی آگاه بود.

● اشاره

علی اعلایی بنایی

۱. آقای سرکوهی جایگزین کردن نهادهای سنتی مانند علم و شمایل و تمثال با تصاویر حرمین شریفین و... را نمونه گویایی از تقابل دولت های مکتبی با آیین های سنتی ملی و مذهبی و بیانگر تضاد درون زایی آزاد با برنامه ریزی مستبدانه می داند و این از چند جهت قابل نقد است:

الف) حکومت اسلامی باید هر آنچه نیاز جامعه و در جهت تعالی آن است فراهم کند نه این که تسلیم خواست ها و سنت های آن شود، هر چند در جهت تعالی نباشد. روشن است که این استبداد نیست؛ زیرا جهت دهی و فرهنگ سازی در جهت پیرایش جامعه از سنت های بیهوده است.

ب) شکل گیری خودجوش و درون زایی آیین های سنتی، ملی یا مذهبی، در بستر تاریخ و درونی و عجین شدن آن با فرهنگ یک ملت و ماندگاری آن هیچ تلازمی با درست و غیر خرافی بودن آن ندارد.

۲. نویسنده گفته است جمهوری اسلامی یکی دو سال پس از استقرار حکومت خود، جشن تولد امام زمان (عج) را مصادره و به جشن رسمی و دولتی تقلیل داد؛ و این درست

بازتاب اندیشه ۹۷

۵۶
مصادره
دولتی
آیین های
مذهبی

نیست؛ زیرا با گذشت ۲۹ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور پررنگ و خودجوش مردم در احیای نام و خاطره این روز، چشم‌گیر است و حضور چند میلیونی مردم در مسجد مقدس جمکران در آن چند روز، شاهد این مدعاست.

اکنون اکثر مردم به فرهنگ انتظار و مهدویت بیش از گذشته بها می‌دهند و این همه معلول تبلیغ علما و برخی نهادهای دولتی و در رأس آنها صدا و سیماست که در جهت ریشه‌دار کردن این فرهنگ کوشیده‌اند.

۳. سرد و بی‌روح شدن مراسم جشن اول ماه مه با دولتی شدن آن تلازم ندارد و می‌تواند معلول عوامل دیگری مانند فساد و بی‌کفایتی رهبران احزاب سیاسی و ناتوانی ایدئولوژی کمونیستی در اداره افکار و... باشد.

از طرفی ما مراسم راهپیمایی ۲۲ بهمن، روز قدس و... را داریم که توسط دولت به قول نگارنده مصادره شده است، ولی هنوز در حد مراسمی شاداب و شکننده اجرا می‌شود که نشانه مردمی بودن این مراسم است.

۴. این‌که به قول آقای سرکوهی دولت، قدرت مصادره آیینی را پیدا می‌کند همیشه با خواست و همیاری مردم همراه است و اگر خود مردم نخواهند و همکاری نکنند چنان‌که در مراسم نوروز و چهارشنبه سوری دیده می‌شود، دولت قدرت مصادره را نیز پیدا نمی‌کند.

۵. معیار صحت و سقم آیین مذهبی، تأیید صریح یا ضمنی آن توسط همان مذهب و عدم تأیید آن است. اگر آیینی با غلو (حسین‌اللهی، زینب‌اللهی، فاطمه‌اللهی)، اعمال و هن‌آمیز (در آوردن پیراهن، قمه‌زنی، سگ خواندن خود و...) و دروغ همراه باشد و بخواهد مانند مکاتب ماکیاولیستی معیارش این باشد که هدف وسیله را توجیه می‌کند، هیچ‌گاه مهر تأیید مذهب تشیع بر آن زده نخواهد شد.

۶. این‌که «ستاد ساماندهی شئون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی» با مشارکت نیروی انتظامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما، وزارت ارشاد و دفتر نمایندگی ولی فقیه تشکیل و وارد عمل می‌شود؛ این همه پس از گلایه‌های چندین ساله علمای دین و احساس خطر آنها از رشد برخی سنت‌های موهون و ناشایست، اجرا شده است. در روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است: «إذا ظهرت البدع فی أمتی فلیظهر العالم علمه فمن لم یفعل فعلیه لعنة الله؛^۱ هنگامی که بدعت‌ها در امت من آشکار شدند، عالم دین باید علمش را نمایان کند و گرنه مشمول لعنت خداوند می‌شود». کتاب حماسه حسینی شهید مطهری^۲ و جواب برخی استفتائات علمای دین شاهد گویایی بر این دغدغه‌ها و گلایه‌هاست.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۵۴، باب البدع و الرأی و المقایس.